

ابرجالش ها در اقتصاد فدراسیون روسیه: کنش و واکنش

احسان رسولی نژاد

دکترای اقتصاد جهان، استادیار گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

تحولات بین المللی و منطقه ای طی چند دهه اخیر برای برخی کشورها کشور روسیه ابرچالش های اقتصادی همچون اعمال تحریم های اقتصادی و تکانه های قیمت جهانی نفت را خلق نموده است. از یک سو مدیریت اثرات بالقوه و بالفعل این ابرچالش ها بر محیط اقتصاد کلان این کشور مهم بوده و از سویی دیگر برنامه ریزی

جهت کنترل بهینه آنها در بلندمدت محل تفکر و بحث است. خارولوف (۲۰۱۵) معتقد است چالش اقتصادی به معنای غافلگیر شدن دولت از یک پدیده اقتصادی است که تاکنون بدان نیاندیشیده و یا انتشار اثرات آن در حوزه های مختلف کلان اقتصاد را نتوانسته است پیش بینی کند. بنابراین نکته مهم آن است که چالش اقتصادی نیاز به اندیشه و مقابله دارد تا به درجه بالاتر همچون آشوب، رکود، بحران و فروپاشی اقتصادی منجر نشود. چنین فضایی برای دو کشور ایران و روسیه در شرایط کنونی قابل تصور است. از سویی از سال ۲۰۱۴ میلادی با ورود روسیه به خاک اوکراین و الحاق شبه جزیره کریمه به خاک خود، غرب شروع به اعمال تحریم علیه این کشور نمود. به علاوه آنکه کشور روسیه به لحاظ محوریت نفت و گاز در اقتصادش به شدت حساس به نوسانات قیمت این حامل انرژی در بازارهای

جهانی است. علی الخصوص پدیده شوک منفی قیمت جهانی نفت به معنای سقوط قیمت های نفت به معنای کسری بودجه شدید دولت این کشور و عدم همخوانی درآمدهای تحقق یافته با درآمدهای پیش بینی شده دولت خواهد بود. چنین اتفاقی از سال ۲۰۱۴ میلادی در بازارهای جهانی نفت اتفاق افتاد و به دنبال سقوط شدید قیمت های نفت خام در بازارهای جهانی کشور روسیه با ابرچالشی نه چندان جدید اما به لحاظ حضور در شرایط تحریم ابرچالشی متفاوت و پیچیده مواجه شد. به طور کلی، دو عامل برونزای تنش های سیاسی و قیمت جهانی نفت بر متغیرهای کلان اقتصادی این کشور همچون تورم، نرخ ارز، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، اشتغال و تجارت خارجی موثر هستند. تنش های سیاسی با کشورهای جهان که نتیجه آن اکثر اوقات اعمال تحریم های اقتصادی از سوی غرب بوده است بر فضای کسب و کار، فرار سرمایه، درجه اعتبار مالی در رتبه بندی های موسسات بین المللی همچون فیچ، ریسک سرمایه گذاری، هزینه های تولید، سطح عمومی قیمت ها و مراودات تجاری این کشور با سایر کشورهای جهان تاثیرگذار است و علاوه بر آن، تغییرات یکباره قیمت جهانی نفت تحت عنوان شوک های نفتی از طریق تاثیر بر ارزش پول ملی و تاثیر بر بودجه دولتی می تواند بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی کشور روسیه همچون مراودات تجاری، تورم، اشتغال، تامین مالی پروژه های عمرانی، مالیات ستانی، هزینه های دولتی و غیره تاثیرگذار باشد. ابرچالش در اقتصاد کشور روسیه

مشخصه بارز اقتصاد روسیه در دهه اخیر تاثیر دو عامل ذکر شده بالا یعنی تغییرات قیمت جهانی نفت و تنش های سیاسی منجر شده به اعمال تحریم های اقتصادی است که مستقیم و غیر مستقیم بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی کشور تاثیر می گذارد.

عامل اول، شوک قیمت نفت که از اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی اتفاق افتاد از نوع شوک منفی (کاهش شدید قیمت جهانی نفت) بود که علل اصلی آن از محل کاهش فعالیت های اقتصاد جهان و شوک عرضه و تقاضا در بازار جهانی نفت بود. با توجه به وابستگی شدید بخش درآمد بودجه دولت فدرال روسیه از محل درآمدهای نفت و گاز، این کاهش شدید به معنای از تعادل خارج شدن اقتصاد ملی این کشور تحت کسری شدید بودجه و کمبود دلار نفتی بود. هر چند قیمت های جهانی نفت به واسطه علل مختلف به تدریج افزایش یافته است و در حال حاضر دوران پس از شوک (ترمیم



قیمت جهانی نفت) ایجاد شده است که خود کمک به برگشت به تعادل اقتصاد روسیه نموده است. عامل دوم، تنش های سیاسی است که از یک سو تنش میان اوکراین و روسیه از سال ۲۰۱۴ میلادی منجر به اعمال تحریم های مختلف از سوی غرب و متحدانش علیه کشور روسیه شد که این تنش میان روسیه و غرب در زمینه تحریم های اقتصادی در حال حاضر نیز وجود دارد که خود عامل بازدارنده در رشد و توسعه همگرایی جهانی و اقتصاد ملی کشور روسیه شده است.

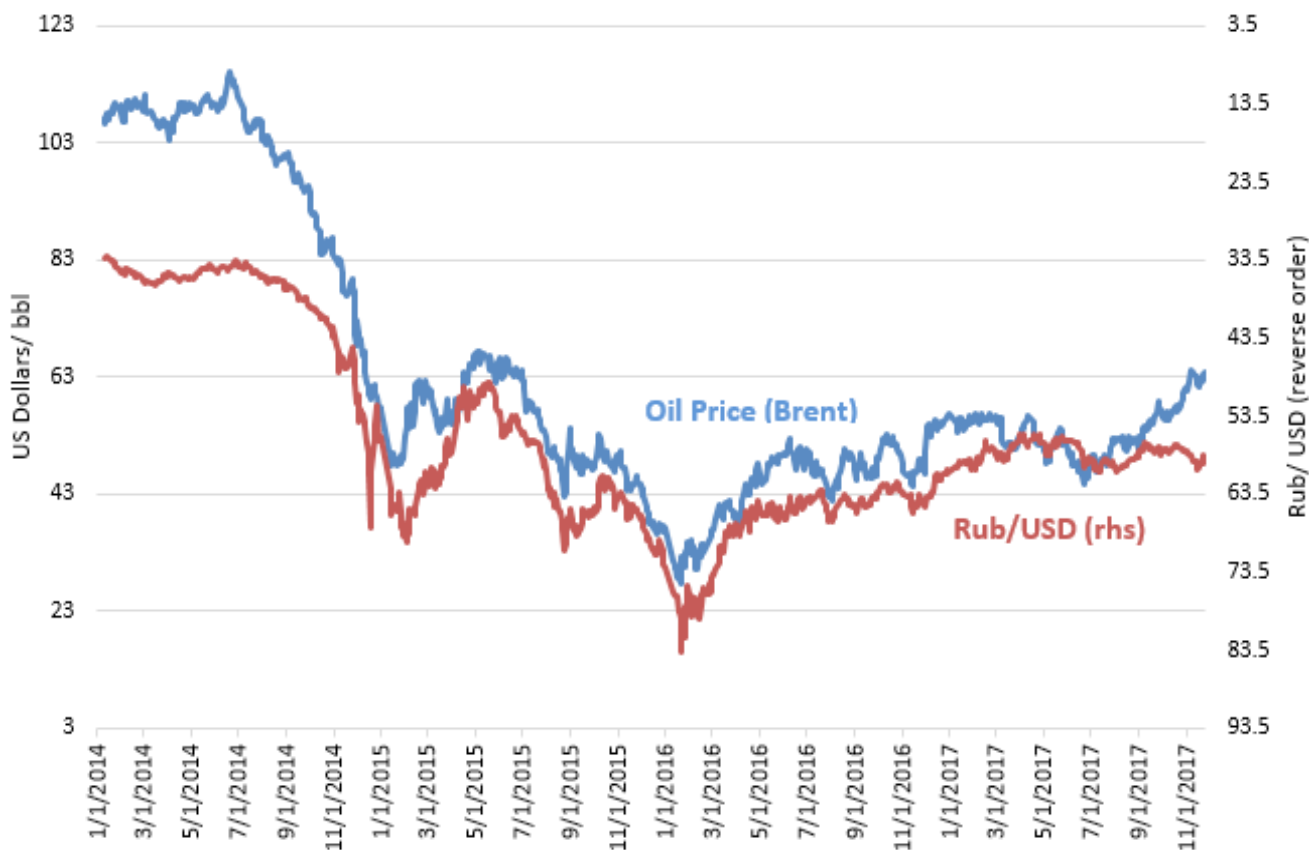
با دانستن وضعیت حال حاضر اقتصاد روسیه (وجود تحریم و نوسانات شدید قیمت نفت)، چهار فضا و سناریو برای آینده اقتصاد روسیه به صورت زیر قابل تعریف می باشد.

فضای اول (فضای تحول ساختار اقتصادی):

در این سناریوی محتمل، از یک سو افزایش تحریم های غرب و متحدانش علیه اقتصاد روسیه وجود دارد و از سویی قیمت نفت افزایش می یابد. این سناریو، محتمل ترین آینده ممکن پیش روی اقتصاد روسیه است. همانگونه که در استراتژی ۲۰۳۰ کشور روسیه ذکر شده است اولویت هایی همچون سرمایه گذاری و جانشینی واردات جهت مبارزه با تحریم ها نیز پیش بینی شده است که اعتبار آنها از محل ترمیم تدریجی قیمت نفت خواهد بود. علت نامگذاری این فضای محتمل به تحول ساختار اقتصادی توسط نگارنده این مقاله، تلاش کشور روسیه به قدرت بخشیدن به توان

تولید ملی خود که تحول ساختار اقتصادی این کشور را ایجاد می نماید، است. به این معنا که ساختار واردات محور اقتصاد روسیه به سمت تولید داخلی یا چرخش در شرکای تجاری تحت تحریم ها پیش خواهد رفت. همچنین به دلیل تنش با غرب و اتحادیه اروپا،

سیاست های پولی و مالی مناسب از طرف دولت و بانک مرکزی کشور، می تواند راهکار برون رفت از رکود و رسیدن به رونق اقتصادی باشد. فضای چهارم (فضای بحران اقتصادی):



سمت همگرایی اقتصادی روسیه به سمت اقمار اطراف و کشورهای آسیایی خواهد بود.

فضای دوم (فضای توسعه و رشد شتابان اقتصادی): سناریوی محتمل دوم برای آینده اقتصاد روسیه، فضای توسعه و رشد شتابان اقتصادی است که در نتیجه کاهش تنش های سیاسی با غرب که منتج به رفع تحریم های اقتصادی می شود در کنار رشد قیمت جهانی نفت رخ می دهد. این فضا بسیار شبیه فضای اقتصاد روسیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی است که تنش جدی میان غرب و روسیه وجود نداشت و قیمت های جهانی نفت به تبع رشد اقتصادی جهانی، حمله امریکا به عراق و حادثه ۱۱ سپتامبر افزایش چشمگیری یافته بود. از این رو، فضای دوم که همراه با رشد قیمت های جهانی نفت و کاهش فشار تحریم های اقتصادی غرب و متحدانش می باشد، فضایی ایده آل برای اقتصاد روسیه خواهد بود. فضای سوم (فضای رکود اقتصادی):

فضای سوم قابل پیش بینی برای آینده اقتصاد روسیه، فضای رکود اقتصادی است که در صورت کاهش تحریم های غرب و متحدانش در کنار کاهش مجدد قیمت جهانی نفت رخ می دهد. در چنین فضایی رکود (Stagnation) به احتمال زیاد در اقتصاد روسیه شکل می گیرد به این معنا که رفع تحریم ها اعتبار مالی کشور روسیه را افزایش و پدیده خروج سرمایه را رفع می نماید که خود منجر به رشد اقتصادی مثبت اما پایین در اقتصاد کشور خواهد شد. اما کاهش قیمت جهانی نفت به معنای کسری بودجه دولت فدرال روسیه نیز خواهد بود که مانعی بر سر راه اشتغال زایی و توسعه زیرساخت ها در این اقتصاد خواهد بود. در چنین فضایی، اعمال

فضای چهارم محتمل در آینده اقتصاد روسیه، فضای بحران اقتصادی می باشد. چنین سناریویی در صورت افزایش تنش با غرب و نیز کاهش مجدد قیمت جهانی نفت رخ می دهد که در نتیجه این دو عامل رکود سنگین (Recession) و در ادامه بحران اقتصادی (Economic Crisis) در آینده اقتصاد روسیه پیش خواهد آمد. همان وضعیتی که در سال ۲۰۱۴ میلادی نیز رخ داده بود که پدیده خروج سرمایه، عدم دسترسی بانک های روسیه به بازارهای مالی اروپا، کاهش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در روسیه همزمان با شوک منفی قیمت جهانی نفت، اقتصاد ملی روسیه را وارد رکود سنگین و حتی بحران اقتصادی ماهانه کرده بود.

نتایج

نتیجه بحث آنکه دو عامل تنش سیاسی (منتج شده به تحریم های اقتصادی) و شوک قیمت نفت، عوامل موثر مهم بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور روسیه هستند که براساس دو حالت افزایش یا کاهش وضع موجود این دو عامل، چهار فضا یا سناریو تحت عنوان فضای تحول ساختار اقتصادی، فضای توسعه و رشد شتابان اقتصادی، فضای رکود اقتصادی و فضای بحران اقتصادی برای آینده اقتصاد روسیه قابل تصور است.